

9 سپتمبر 2016

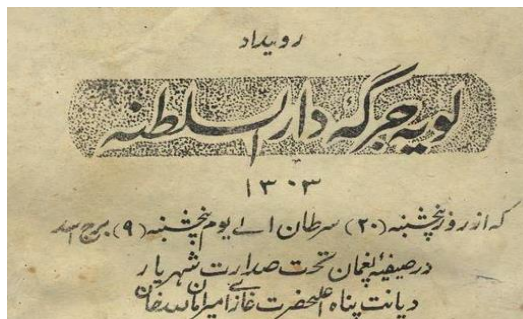
داکتر سید عبدالله کاظم

به همکاری: محمد ایاز نوری (آزادی) و نازک میر زهیر

"رویداد لویه جرگه دارالسلطنه 1303"

(به تقریب نود و هفتمین سالگرد استرداد استقلال افغانستان)

(قسمت بیست و ششم)



د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ

[در ادامه مبحث "وداع رسمی و عمومی": توضیحات مزید اعلیحضرت درباره اغتشاش سمت جنوبی]

اعلیحضرت: مطلب من این نیست که اینها را قتل کنیم و یا هستی شانرا دفعتاً برباد بدهیم ورنه بتوکل خداوند عسکر غیرتمندم بیک ساعت تمام شانرا پاره پاره میکند و این چند روز محض از بی اهمیتی این مسئله بود که ما حرفی از آنها را در میان نیاوردیم و حال هم درین بحث، شما داخل شده اید. فقط جهت آگاه نمودن و داناندان شما از حقائق اینقدر بیانات کرده میشود و الا یک مفسد چیست و بغاوت آن چه اهمیت خواهد داشت.

باینقوم شریر احسانهای که من کردم اگر یکایک بگویم وقت میگذرد. عسکر شانرا که از سالهای دراز در سمت جنوبی بیک تعداد مکفی میبود، شش یک بلکه ده یک نماندم. وزارت حربیه هر قدر اصرار کرد که عسکر سمت جنوبی را کم مکن نظر به محبت و یگانگی که بآنها داشتم، قبول نکردم و گفتم تمام این قوم عسکرند. پس پایند بودن شان در صنف نظام چه حاجت دارد. در زمان احتیاج دولت همه آنها خدمت عسکریرا بخوبی ایفا میکنند، تا آزمان پیسه که بآنها میدهم برای آبادی معابر وانهار و پلها آنرا بصرف میرسانم.

نظر بدین عزت و توقیر [دادن وقار] و اعتمادیکه حکومت بر آنها مینمودند، پس چقدر بدبخت و کافر نعمت میباشند. این قوم که امروز بر علیه حکومت خود کار روائی میکنند، در نتیجه بجز از خواری و زبونی و بیخ کنی و پریشانی خویش معلوم است دیگر فائده را بخود عائد نخواهند کرد. چنانچه حال بدرجه رسیده اند که از گرسنگی برگ میخورند. بلی مثنی زدند و به لغت [لگدی] گیر آمدند.

در هر دفعه که بر عسکر ما غدارانه و جهالت کارانه حمله کرده اند و فقط سپاهیان ما مدافعه نموده اند. بسیار نفر شانرا بروی خاک انداخته اند که آنها نتوانسته اند که مرده های خود را جمع میکردند بلکه سپاهیان شجاع و غیور ما باز بمراسم تدفین پرداخته اند.

درین روز ها شما هم مطلع خواهید بود که چیزی عسکر خود را از آنجا پس طلبیدیم و الله آن سپاه ما بخانهای خود نمی رفتند. هر فرد عسکر ما باین درجه جوش و خروش دارد که بجز از خوردن خون شان بدیگر هیچگونه تسکین شان نمیشود.

آخر ای نادان! تو چرا اینطور میکنی که این جوش و خروش طرفین بجای اینکه بر دشمن صرف شود، در بین خود ما صرف میشود. چرا هر دو قوت را جمع کرده بمقابل دشمن شرف و ناموس مملکت خود کاری نمیکنید.

این را هم نا گفته باید نگذاریم که در همین سمت بعضی چنان اقوام هستند که نامهای اکثر از اوشان را فی الحال بخاطر ندارم و از بعضی که بیاد من است " نمیخواهم که بگویم تا دیگران ازین نام من دق نشوند" که سر خود را فدای دین و اسلام و فدای دولت و ملت خود میکنند. لکن هزار لعنت باد بر کسان بد بخت و شریر شان که سپاهی دلیر و شجاع مانرا هدف گله [گلوله] خیانت خود نموده به بغاوت ایستاده اند.

یکوقتی جهال تیره روزگار، عسکر ما را در یکجای تنگ بروز عید احاطه کرده بودند که نان برای شان چند وقت ممکن نشد که میرسید، گفتم تا برای عسکرمان نرسد من هم نمیخورم و الله (۴۷) ساعت هیچ چیز نخوردم، حتی نزدیک بود که از خود بروم. رئیس ارکان حربیه و دیگر نفری هر قدر که گفتند یکقدری نان بخورید که فردا مامورین می آیند چه طور نطق خواهید کرد و بمراسم دربار چگونه

د پانو شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

پرداخته خواهد شد. گفتم در چهارپائی بپرندم. باز در گفتار خود اصرار کردند که سپاهی ها بگرسنگی عادت دارند، گفتم بلی! درینوقت بزحمت گرسنه هستند. من باسایش از یکطرف سفیر روسی که جدید آمده بود بحضورم نطق میکرد از طرف دیگر خودم ضعف میکردم. تا برنج و روغن برای آنها بهمت و شجاعت دیگر برادران عسکری شان رسید، باز من هم طعام خوردم.

تا حال این عاجز و حکومت تان تصمیم بانقطاع و انقلاع [قلع کردن] این فرزندان جاهل افغانستان ننموده ایم و مکرراً دست عسکر و وزارت حربیه را از تعرض و جنگیدن باوشان گرفته ام و گمان میکنم که بلاخره نصائح شفقت کارانه و اندرز های پدرا نه ام کارگر شده اگر خواست خدا باشد، براه هدایت خواهند گرائید. لهذا برای او شان یکفرمان هدایت قوامان [امر محکم] آیگیرا مینویسم و دران برای شان یک وعده قطعی را جهت تائب شدن و براه صلاح و مطاوعت آمدن معین میکنم. اگر تا آنزمان براه راست آمدند، فنعن المطلوب و الا بعسکر غیور و وزارت حربیه خود امر میدهم تا او شانرا بکیفر کردار شان برسانند.

دشمن آتش پرست بادپیما را بگو
خاک بر سر کن که آب رفته باز آمد بجو

{درین موقع در تمام لویه جرگه چندان آشوب و غوغا برپا و باندازه غیظ و غضب و حس انتقام خواهی ازین باغیان سمت جنوبی هویدا شد که ابداً یکنفر مستمع بیچاره مانند این نگارنده بیاد داشت نویسی و یا شنیدن کلمات مقررین غیر واحده و داوطلبان متکثره این حفله عالی عطف توجه کرده نمیتوانست. وکلای هر مقام علیحده و مشائخ آن جداگانه و سادات از یکطرف و علماء از دیگر جانب تماماً برپا خواسته استدعای شمولیت شانرا مخصوصاً از حضور ملوکانه برای سر کوبی این طائفه باغیه مینمودند. اعلیحضرت غازی هنوز بجواب یکی پرداخته نمیبود که دیگری تقدم جسته خود را بدین خدمت مستحق میشمرد و هکذا بالجمله چیزیرا که این مسکین بخاطر دارد و درین فرصت گفته شده حسب ذیل است. ب.د}

وکلای قندهار: اعلیحضرتا! مردم قندهار عرض میکنند که سر کوبی سمت جنوبی حق ماست این خدمت را لطفاً برای ما بگذارید.

وکلای قطغن و بدخشان: فدایت شویم! این عهد نامه است که چهار ماه پیشتر در محکمه قطغن نوشته شده اگر تکلیف نباشد، بخوانید.

{نقل عهد نامه را بدست گرفته این معروضه را میگفتند:} خلص مضمون اینست که سرو مال و اولاد های خود را آرزومندیم که در راه دین اسلام و ترقیات افغانستان خصوصاً باین خدمت حاضره سمت جنوبی فدای همهچه تو پادشاه مهربان بگردانیم.

وکلای هزاره: اعلیحضرتا! خدمت سمت جنوبی چندان اهمیت ندارد که جوانان عسکری، جوان همت بدانطرف بروند. این خدمت را برای ما اقوام از نظر افتاده هزاره بگذارید.

ملک خالوی مهمندی: اعلیحضرتا! بهر گونه فداکاری که بفرمائید، ما حاضریم و خیلی آرزومندیم که سر کوبی این فئه باغیه را تنها بما واگذار شوید که ما چگونه این اخوان شیطان رجیم را براه اصلاح و دین می آوریم.

د پانو شمیره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

وکلاى سمت مشرقى: اين سر شورى شوره پشتان سمت جنوبى چندان اهميتى ندارد که برای انفصال آن کدام قوه عسکرية اعزام شود. ما فدائیان پادشاه غازى عاليشان حاضریم که بیک حمله دمار از نهاد این طائفه بدهنجا بکشیم. آیا بخاطر ندارند که در زمان اعليحضرت شهريار شهيد چگونه بيکسرعت خارقه نما این جهلا را براه آورديم.

{ همچنين اظهار جذبات و گرمجوشى های مزید از وکلای هرات و وکلای ترکستان و وکلای فراهی و وکلای میمنه و وکلای دیگر اطراف و اکناف افغانیه و سائر شرکاء لویه جرگه بعمل آمده بلکه اکثریه افتان و خیزان در یک عالم جوش و خروش خود ها را بنزدیک تخت همایونی رسانیده استرجای [طلب رجاء و امید] محاربه نمودن خود ها را با بغاوت سمت جنوبی مینمودند. خلص اینکه منظره داوطلبی تقریباً تا به نیم ساعت دوام ورزیده، بالاخره اعليحضرت معظم و رئیس صاحب عمومی شورای دولت به بسیار اشکال و اشارات سر و دست و چشم و بنوازدن زنگ سر میزی این غلغله و احساسات گرمجوشانه لویه جرگه را فرو نشانده در جواب این عرائض و داوطلبیهای شان نطق مفصلی را ایراد داشتند که اجمال آن حسب ذیل است: ب.د.}

اعليحضرت: مطلبم از این مذاکرات شنیدن چنین عرائض و دیدن این داوطلبیها و معلوم کردن احساسات شما نبود، زیرا که از محبت و عقیدت و علاقمندی عموم حضار باین خادم اسلام بهتر مسبقم. حتی یاد نمودن این مطالب را درین مجلس عالی خودم مفید نمی پنداشتم، چون شما در مبحث داخل شدید، منم قدری از ان نیکبختی خود که باین طائفه ناسپاس چه در حال و چه در گذشته کرده ام، بیان کردم تا بخوبی همه شما بدانید که حکومت شما با آنها سراسر گذشت و مرحمت کرده است و تا یک زمانی از همین شیوه رأفت و شفقت خود نخواهد گذشت. اگر با وجود آنهم ازین کردار بد خود دست نبرداشتند، حکومت شما بایشان یک معامله سخت و شدید خواهد کرد.

از هر کدام تان درینمورد علیحده علیحده اظهار جوش و خروش و همدردی دیدم. ازین حسیات شما از حد زیاده تشکر میکنم و اظهار ممنونیت مزید مینمایم. خداوند از شما راضی باشد، من از عموم اظهار رضا میکنم. اگر چه مناسب نبود که این چیز ها را دریک مجلس اظهار نمایم، اما چون من خودم را یک سپاهی و خادم شما ملت میدانم، پولتیک و انتریک را بهمراه شما ملت عزیز خویش شیوه خود نمی نمایم و نمیخواهم که هیچیک راز خود را از شما پنهان کنم. چنانچه عهد نامها و دیگر اسرار دولت را که تا اکنون اکثری از اعضای وزارت خارجه هم از ان اطلاع نداشتند، بشما توضیح نمودم این مسئله را با شما حقانه بدون کم و کاست آشکار و اظهار کردم.

این فرمانرا که قبلاً گفتیم علاوه بر فرامین سابقه با تعیین وقت تائب شدن آنها برای شان روانه میکنم اگر تائب نشدند و برای صلاحیت نشتافتند و همچنین در تیه جهالت و نادانی خود رهسپار ماندند، همانا که بر طبق خواهشات تان این خدمت را تقسیم میکنم و میگویم که این تقسیم از قندهار و این حصه سمت مشرقی و این از سمت شمالی و این از ترکستان و این از قطغن و علی هذا.

اگر چه اولتر گمان میکنم که عسکر غیور، شما را گاهی نخواهد ماند که جنگ کنید بلکه شما را در یک بلندی نشانده جان بازیها، خون فشانیها سربازیهای خود ها را بشما نه تنها درین معامله بلکه در عموم محاربات نشان خواهند داد. چون عسکرم مرا دوست دارد و منم عسکرخود را مثل اولاد خود دوست دارم، اینقدر از ملت خود امید دارم هر که مرا دوست دارد، عسکر مرا دوست داشته باشد و همیشه بنظر احترام به بینند.

{درینجا درمیان عموم منصیداران نظامی یک آثار جدیت و فعالیت بعیان رسیده تماماً بیک آواز هزبرانه [؟] و وضعیت عسکرانه بر پا خواسته گفتند، ما حاضریم که بشرط امر و اجازه همایونی این کافر نعمتان سمت جنوبی را بکیفر کردار شان برسانیم و یکنفر ازوشانرا اگر براه اصلحیت و اسلامیت و مطاوعت اعلیحضرت نشناقتند، زنده نگذاریم. بعد دیگر منصیداران دعای "عمر د دیرشه پادشاه" را گفته نشستند و قوماندانان قول اردو بیانیه ذیل را ایراد کردند.

عبدالوکیل خان فرقه مشر: حاضرین با تمکین! چند سخن بزبان کلفت عسکری عرض میکنم. از کلمات جواهر آیات اعلیحضرت تاجدار غازی ما که درین عرصه بیست روز گوهر نثاری کردند. خیالات اتفاق کارانه و نیت خیر خواهانه شاهانه شانرا تا یک درجه دانسته شده باشید، حاجت تکرار نیست. در ابتداء جلوس میمنت مانوس ملوکانه شان که هنوز نظم و نسق داخله افغانستان بخوبی نشده بود، دفعته با انگلیسها که ما را غلام خود میپنداشتند و بزیر حمایه خود میدانستند و یا هیچ دولت ما را به ارسال و مرسول کردن نمیگذاشتند، اعلان حرب دادند. اگر بیک نظرغور بحال برادر های هندوستانی خود ببینید که با هیچیک برادر دینی خود حرف زده نمیتوانند، اختیار اموال و اطوار و کردار حتی از حقوق مشروعه خود را ندارند، آئینه تمثال شش سال پیشتر تانرا بدست تان خواهید یافت. از برکت شمشیر آبدار این پادشاه عدالت کردار بود که از زیر اسارت انگریز خلاص شدیم و امروز خوش بختانه در محیط مستقل مملکت بزیر سایه هما پایه این شهر یار دیندار خود امرار حیات مینمائیم.

بسیار جای افسوس است، کارطوس ها، تفنگها، توپهای را که اعلیحضرت غازی ما برای مقابله اعدای دین ما آماده و تجهیز کرده اند، امروز برای بربادی و خانه خرابی آن هموطنان بی عقلاں ما که بتحریک بعضی از مردمان صاحب غرض بر روی این پادشاه دیانت اکنه ما بر خواسته اند، بسمت جنوبی میرود. بفوای (انما المومنون اخوة فاصلحو بین اخویکم) اگر شما اهالی لویه جرگه در میان این فرزندان نادان و حکومت متبوعه تان خواهان صلح باشید و خواسته باشید در بین رفع غلط فهمی شود، درین مسله چیزی عرض کرده نمیتوانم. البته اگر خواستار محاربه و مقاتله با باغیان سمت جنوبی باشید، پس این مسله را نه تنها شخص بلکه عموم اردوی مظفر افغانی تا زمانیکه لباس مستعار حیات در بدن شان باشد، برای خود ننگ و عار میدانند که آنها نشسته باشند و شما ملت محبوب بآنها محاربه کنید، زیرا که خونریزی و جنگ کردن کار ما عسکر است و به سردادن و جان نثار کردن و خون فشانی کردن ما عسکر حاضر و آماده بوده خدمت ما همین سردادن و خون ریختاندن است و بس.

اعلیحضرت: لویه جرگه را مخاطبه کنان فرمودند، مهربانی کرده دیگر درینباب چیزی نگوئید زیرا که به پیش همت شما اقوام غیور افغانستان منگل چیست. خداوند نکند که شما بمقابله اوشان بروید یا خون عسکرم درین راه بریزد. دشمنان دیرینه شرف و عزت و ناموس ما بیابند و بارها توپهای هژده پن دشمن را که هتک عزت خاک پاک وطن عزیز تانرا نموده است، شما ملت غیرتمندم بچوب ها و سوتها ها و ناخنهای خود شکستاده آید و مدعی را مانند روبا گریختانده آید و همیشه امتحان اسلامیت و افغانیت وطن خود ها را داده آید. باز اگر آنها بخواهند یک تجربه خواهیم کرد.

لویه جرگه: بهر قسمیکه ذات پادشاهی فرمایند، باستماع و قبولیت آن حاضر بوده مکرراً عرض داریم که ما بریزانیدن خون خود بهمه گونه فرمائشات شما حاضریم. غلغله الله اکبر الله اکبر الخ.

اعلیحضرت: باز از شما التجا میکنم که درین مبحث بیشتر ازین صرف اوقات نکنید از احساسات شما ممنونم و از حد زیاده مشکور! منگل هیچ اهمیت ندارد. فقط مثل یک سگ تان است. حیف این جوش و

غلیان تان که درین موضوع نشان میدهد. فقط همین نعره های دشمن کوب الله اکبر گفتن ما و شما برای دشمنان داخلی و خارجی کافست.

{درینجا رئیس صاحب شورای دولت عریضه را که لویه جرگه بحضور شاهانه قبلاً نوشته و مهر و امضاء نموده بودند، بدست گرفته گفت. ب.د.}

رئیس صاحب شورای دولت: حضار محترم سکوت کنید و سراپا گوش شده بشنوید که عریضه وداعیه تانرا بحضور شاهانه قرائت میکنم.

لویه جرگه: تماماً سکوت ورزیده بمناسبت قرائت این معروضه عمومیه عموم شان بر پا خواسته بکمال ادب و خاموشی گوش گذاشته، ایستاده شدند.

نقل عریضه لویه جرگه بحضور شاهانه بروز وداع

بحضور اعلیحضرت شهریار غازی شریعت پرور خلد الله ملگه و سلطنة!

عرض ما داعیان دین و خادمان دولت، علماء و مشائخ و سادات و روسا و وکلاء تمام حصص مملکت محروسة دولت علیه اسلامیة افغانستان صانها الله تعالی عن حوادث الزمان بکمال افتخار و امتنان اینکه:-

اعلیحضرت شریعت پرورا (من لم یشکر الناس لم یشکر الله) ما ملت افغانستان شکریه این مراحم ذات کثیر البرکات شما را بهیچ زبان ادا کرده نمیتوانیم که محض برای غمخواری دین و تقویه شریعت غراء حضرت خاتم النبیین و اصلاح و ابخاح امور و آرامی ما ملت افغانستان اینچنین یک جمعیتی که در عالم اسلام نظیر آن در تواریخ کمتر دیده شده است، بروی کار آورده در مرکز دولت بحضور مبارک شاهانه خویش جمع فرموده طلب استشاره فرمودند (هذا من فضل ربی لیبلونی اشکرام اکفر) - فی الحقیقت میتوانیم عرض نمائیم که این نتیجه سعادت و اقبال ما ملت افغانستان است که ایزد متعال در همچو یک وقت و زمانیکه در فضای عالم اسلام یک گونه نزاکتی پیدا شده تماماً پریشانند، ما ملت افغانستان را بوجود مسعود مانند شما یک ذات خجسته صفات نائل و سر افراز گردانید.

این سعادت بزور بازو نیست

تا نه بخشد خدای بخشنده

وقتیکه ما ملت افغانستان بحضور مبارک اعلیحضرت پادشاه غازی مشرف شدیم، بچشم خود دیدیم و بگوش خود شنیدیم و در قلب خود حس کردیم، تمامی محسناتی را که ذات اعلیحضرت غازی معظم مان برای تقویه دین و فلاح و سعادت ما ملت افغانستان سنجیده اند و در خاطر مبارک خویش دارند، فوق از آن است که عقل ما و فکر ما با آن اصابت نماید و یا ما بتوانیم به آن سعادت و اقبال و مدارج ترقی و تعالی رسیدگی نمائیم. معه مافیہ بقرار هدیات و تجویزات اعلیحضرت غازی همان است که لویه جرگه برای تصویبات نظامات و احکامات شرعیہ از بین خود ها علمای کرام را بصدارة جنابات فضلیت پناهان ملا صاحب چکنور و استاد صاحب هده و حضرات شمس المشائخ و نور المشائخ صاحبان و اخند زاده صاحب موسهی که بصفات حمیده موصوف و در حقائق و دقائق علوم دینیہ و شرعیہ معلومات کافی داشتند، بجمعیت علمای منتخبه لویه جرگه تعیین و برای امور ملکیه وکلای

د پانو شمیره: له 6 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

منتخبه ما با باقی وکلاء و روساء لویه جرگه مقرر گردید که در امور شرعیه صنف علماء و در امور ملکیه صنف و کلاء و روساء تحقیق و تدقیق نموده آنچه مسائل مفتی بها شرعیه دینییه باشد، علماء اعظام و آنچه خیر و بهبود مهمات ملکیه باشد وکلاء و روساء کرام هویدا ساخته تصویباً بعرض حضور مبارک اعلیحضرت غازی برسانند. چنانچه به اوراق جداگانه تصویبات هر یک ازین دو شعبه مهمه تقدیم حضور مبارک گردید. در نتیجه حسن این اقدامات بزرگ و خدمات سترگ که ذات اعلیحضرت غازی معظم مان فرمودند، لویه جرگه چهار مقصد عالی آتی را بحضور مبارک تقدیم میکند و امید قبولی آنرا بدرگاه خداوندی اعلیحضرت شهریار غازی دارد.

۱:- تحفه دعاست از طرف ما داعیان دین و دولت اسلامی که الهی بعزت بزرگی خود و حرمت روح پرفتوح حضرت خاتم النبیین صلعم، سلطنت اسلامیه غیوره افغانستان را بزیر لوای شریعت غرای محمدیه و امر اولی الامر معظم مان المجاهد فی سبیل الله الغازی امان الله خان از جمیع دست بُرد حوادث اجانب و اغتشاشات و اضطرابات داخلی مصئون و مامون داشته همه وقت مشفق و متحدمان بدارد. آمین یا رب العلمین.

۲:- بیادگار انعقاد این مجلس اسلامیه عالیه لویه جرگه یک نشان ذیشان توثیق عهد است موسوم به "لویه جرگه" را برای حسن خدمت در راه شریعت و مملکت که اولی الامر غازی مان ابراز فرموده اند، از طرف ملت صادقۀ شاهانۀ شان تقدیم مینماید تا که ذات شاهانه هر زمان که نشان موصوف را بسینه بی کینه مبارک خویش نصب نمایند، یادگار خدمات مجاهدانه شاهانه شان در راه دین و دولت و مظهر اطاعت و صداقت و وفاداری و عهد ما نسبت ذات شاهانه بوده سبب شرف و افتخار ما باشد. علوتاً لویه جرگه یک میل تفنگ و یک قبضه شمشیر را نیز بحضور مبارک تقدیم مینماید تا ذات شاهانه برای حفظ دین و منافع مملکت مقدسه اسلامیه بمقابل غاصبین حقوق بشریت و انسانیت به استعمال آن شرف اسلامی و شجاعت افغانیت را ابراز نمایند.

۳:- چون لفظ امیر در شریعت و در عرف گاه برای شخصیکه زیر حکم پادشاه باشد مثل امیر عسکر و امیر الجیش و امیر السریه و گاه در باره پادشاه کلان که زیر حکم دیگر نباشد، مثل امیرالمؤمنین استعمال میشود، جهت دفع این توهّم که آیا دولت ما زیر حکم است، خدا نخواست الحمدلله سلطنت افغانستان دارای استقلال داخلی و خارجی بوده یک دولت معظم و مستقل آزاد است، لهذا ما ملت افغانستان امید واریم که لفظ امیر بلفظ امیرالمؤمنین (تول واک) که پادشاه گفته شود، تبدیل یافته عموم ملت افغانستان بعوض الغازی امیر امان الله، الغازی امیرالمؤمنین تول واک امان الله بگویند. شعر

فانک شمس فضل هم کو اکبها
فاذا طلعت لم یبدء منها کوکب

۴:- چونکه اعلیحضرت پدر شهید سعید و اعلیحضرت جد امجد مرحوم شما از طرف ملت به القاب سراج الملت و الدین و ضیاء الملت والدین ملقب بودند، "لویه جرگه" تمنا میکند که اعلیحضرت غازی مان ملقب "سیف الملت والدین" شوند و این لقب را از طرف لویه جرگه قبول فرمایند. شعر

الحمد لله العظیم الستات
یا خادم الشرعة یا حامیا
ذی المجد و الاحسان للاحسان
لحقیقته من قوم الافغان
لیست بقانون سوی الفرقان
عنا و عن ثقلین للامان
فجزاک رب الخلق حسن جزائه

د پانو شمیره: له 7 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

اعلیحضرت شه‌ریار! دین مقدس اسلام منصب امام را بالای ملت اسلام واجب و لازم گردانیده است و اصولاً مقرر فرموده است که تمام اوامر و نواهی موافق شریعت غرای محمدی صلعم تحت امر اولی الامر شخص پادشاه بر هر فرد مسلمان واجب و نافذ باشد. (کما قال الله تبارک و تعالی اطعیو الله و اطعیو الرسول و اولی الامر منکم ط و قال النبی صلی الله علیه وسلم من مات لیس فی عنقه بیعتہ الامام مات میتته الجاهلیه) لهذا ما داعیان لویه جرگه و کُل ملت افغانستان عهد میکنیم که هرگاه شخصی یا اشخاص بخواهند که اساس اولو الامر اسلامیة را به تقالید سلطنت های اروپائی مثل مشروطه و یا جمهوری و غیره انقلاب داده، تبدیل نمایند، ابدأً راضی نبوده ما ملت افغانستان بسر و جان خود ها حاضر خواهیم بود که از آن تعرض غیرمشروع دفاع نموده سلطنت مقدسه اسلامی خود ها را محافظت نمائیم. و من الله التوفیق و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العلمین. پاینده باد اسلام، زنده باد اولی الامر اسلام، سرفراز دین و دنیا باد هوا خواهان اسلام.

{بعد از اختتام این عریضه اعلیحضرت بیک وضعیت متحیرانه تحت رقت و تاثیر عمیقی از شنیدن این عریضه آمده بودند، بر پا خواسته فرمودند. ب.د.}

(ادامه در قسمت بیست و هفتم)

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ